**ارادۀ خدا چیست؛ و چگونه به آن پی ببریم؟**

«لهذا ای برادران، شما را به رحمتهای خدا استدعا می‌کنم که بدنهای خود را قربانی زندۀ مقدس پسندیدۀ خدا بگذرانید؛ که عبادت معقول شماست؛ و همشکل این جهان مشوید؛ بلکه به تازگیِ ذهن خود، صورت خود را تبدیل دهید، تا شما دریافت کنید که ارادۀ نیکوی پسندیدۀ کامل خدا چیست».

منظور رسالۀ رومیان ۱۲:‏۱-‏۲ این است که کل زندگی باید به «عبادت روحانی» تبدیل شود. آیۀ ۱: «بدنهای خود را قربانی زندۀ مقدس پسندیدۀ خدا بگذرانید؛ که عبادت معقول شماست.» از دیدگاه خدا، هدفِ زندگی همۀ انسانها چیزی جز این نیست که مسیح را به قدر و منزلتش ارج نهند. عبادت یعنی اینکه با تمامی فکر و دل و بدنمان، خدا، و همۀ آنچه خدا در عیسی برای ماست را ارج نهیم. می‌شود به گونه‌ای زندگی کرد؛ و به گونه‌ای محبت ورزید، که گویای چنین ارج نهادنی باشد. می‌شود به گونه‌ای به کار و پیشه مشغول بود، که ارزش واقعی خدا را نشان دهد. اگر قادر نیستید گویای این ارزش باشید، یعنی که باید شغلتان را تغییر دهید، چرا که اگر جز این باشد، حقیقت آیۀ ۲، آن‌طور که باید، در زندگی‌تان تحقق نخواهد یافت.

پولس در آیۀ ۲ به ما نشان می‌دهد که چگونه می‌توان زندگی را به عبادت تبدیل نمود. ما باید تبدیل شویم، باید که تبدیل شویم. نه اینکه فقط رفتار ظاهری‌مان تغییر کند، بلکه احساسات و طرز فکر ما؛ یعنی، ذهن ما باید عوض شود. آیۀ ۲: «به تازگیِ ذهن خود، صورت خود را تبدیل دهید».

**آنچه که هستید، بشوید**

ایمانداران به مسیح عیسی، قبلاً با خون او خریداری شده، و خلقتی تازه در مسیح هستند. «اگر کسی در مسیح باشد، خلقت تازه‌ای است» (دوم قرنتیان ۵:‏۱۷). حال، باید آن کسی شویم که هستیم. «پس خود را از خمیرمایۀ کهنه پاک سازید، تا فطیر تازه باشید؛ چنان که بی‌خمیرمایه هستید» (اول قرنتیان ۵:‏۷).

«تازه را پوشیده‌اید، که به صورت خالق خویش تا به معرفت کمال، تازه می‌شود» (کولسیان ۳:‏۱۰). شما در مسیح، تازه گشته‌اید؛ و اکنون، روز به روز از نو در حال تازه شدن هستید. این همان مبحثی است که هفتۀ گذشته بر آن تأمل نمودیم.

حال، تمرکز ما بر بخش آخرِ آیۀ ۲ می‌باشد؛ یعنی، هدف از تازگی ذهن: «همشکل این جهان مشوید؛ بلکه به تازگیِ ذهن خود، صورت خود را تبدیل دهید [حال به هدف رسیده‌ایم]، تا شما دریافت کنید که ارادۀ نیکوی پسندیدۀ کامل خدا چیست.» پس، امروز به معنای واژۀ «ارادۀ خدا» می‌پردازیم؛ و اینکه چگونه آن را تشخیص دهیم.

**دو گونه ارادۀ خدا**

در کتاب‌مقدس، عبارت «ارادۀ خدا» از دو معنای واضح، و کاملاً متفاوت برخوردار است. ما باید از هر دوی آنها آگاه باشیم؛ و مشخص کنیم که کدام‌یک از آنها در رومیان ۱۲:‏۲ مد نظر است. در واقع، برای درک یکی از عظیم‌ترین و پیچیده‌ترین مقوله‌ها در کتاب‌مقدس، مهم است که از تفاوت میان دو معنای «ارادۀ خدا» آگاه باشیم؛ بدین معنی که خدا حاکم بر همۀ امور است، با این حال، بسیاری از چیزها را تأیید نمی‌کند. به عبارتی، خدا وقوع برخی اموری را که خود مقدّر فرموده است، تأیید نمی‌نماید. یعنی خدا برخی از اموری را که خود بانیِ آن است، منع کرده، و به برخی اموری حکم می‌کند که خودْ سدِ راه آنها می‌گردد. به عبارتی، تناقض این مقوله چنین است: از یک نظر، ارادۀ خدا بر این است که بعضی امور واقع شوند؛ و از نظر دیگر، اراده‌اش نیست که آن رویدادها به وقوع پیوندند.

**۱. ارادۀ مقدّرِ خدا، یا ارادۀ مطلق**

بیایید به آن آیاتی از کتاب‌مقدس مراجعه کنیم که موجب می‌گردند تا در مورد ارادۀ خدا این‌گونه بیندیشیم. نخست بخشهایی را بررسی می‌نماییم که «ارادۀ خدا» را چنین توصیف نموده است که بر همۀ رخدادها کنترل مطلق دارد. یکی از واضح‌ترین مثالها در این مورد، زمانی است که عیسی در باغ جتسیمانی دعا کرد و از ارادۀ خدا سخن گفت. او در انجیل متی ۲۶:‏۳۹ می‌فرماید، «ای پدر من! اگر ممکن باشد، این پیاله از من بگذرد؛ لیکن نه به خواهش من، بلکه به ارادۀ تو.» در این آیه، ارادۀ خدا به چه چیز اشاره می‌کند؟ به نقشۀ مسلم خدا، که در ساعات آینده عملی می‌گشت. اعمال رسولان ۴:‏۲۷-‏۲۸ را به یاد آورید: «فی‌الواقع بر بندۀ قدوس تو عیسی، که او را مسح کردی، هیرودیس و پنطیوس پیلاطس با امتها و قومهای اسراییل با هم جمع شدند، تا آنچه را که دست و رأی تو از قبل مقدّر فرموده بود، به‌جا آورند.» پس «ارادۀ خدا» این بود که عیسی جان دهد. این طرح او بود؛ مشیّت او بود؛ و قرار نبود که این نقشه تغییر یابد؛ و عیسی سر فرود آورد و فرمود، «خواهش من این است؛ اما تو آنچه که بهترین است را به انجام رسان.» این ارادۀ مطلق خداست.

و این نکتۀ بسیار مهم را فراموش نکنید که گناه انسانها نیز در این ارادۀ مطلق قرار داشت. هیرودیس، پیلاطس، سربازان، و سران یهود، همگی در تحقق ارادۀ خدا، که همانا مصلوب نمودن پسرش بود، گناه ورزیدند (اشعیا ۵۳:‏۱۰). بنابراین، این مطلب برایتان کاملاً روشن باشد که خدا خود اراده می‌کند اموری به وقوع پیوندند که از آنها بیزار است.

از رسالۀ اول پطرس نمونه می‌آوریم. پطرس در اول پطرس ۳:‏۱۷ می‌نویسد: «اگر ارادۀ خدا چنین است، نیکوکار بودن و زحمت کشیدن، بهتر است از بدکردار بودن.» به بیان دیگر، شاید ارادۀ خدا بر این باشد که مسیحیان به سبب نیکوکاری رنج کشند. منظور خدا از این رنج، آزار و جفاست. اما جفا رساندن به مسیحیانی که سزاوار آن نیستند، گناه است. پس باز هم خدا گاهی اراده می‌کند که رویدادهایی گناه‌آلود واقع شوند. «اگر ارادۀ خدا چنین است، نیکوکار بودن و زحمت کشیدن، بهتر است».

پولس در رسالۀ افسسیان ۱:‏۱۱، خلاصه‌ای کلی از این حقیقت را ارائه می‌دهد: «که ما نیز در وی [مسیح]، میراث او شده‌ایم، چنان که پیش معین گشتیم بر حسب قصد او که همۀ چیزها را موافق رأی ارادۀ خود می‌کند.» ارادۀ خدا، حاکمیت مطلق خدا بر همۀ رویدادهاست. آیات بسیاری در کتاب‌مقدس چنین تعلیم می‌دهند که مشیّت خدا در عالم هستی، از کوچک‌ترین اجزای طبیعت، تا تصمیمات انسانها را در بر می‌گیرد. حتی یک گنجشک هم بدون ارادۀ پدر آسمانیِ ما به زمین نمی‌افتد (متی ۱۰:‏۲۹). «قرعه در دامن انداخته می‌شود، لیکن تمامی حکم آن از خداوند است» (امثال سلیمان ۱۶:‏۳۳). «تدبیرهای دل از آنِ انسان است، اما تنطّق زبان از جانب خداوند می‌باشد» (امثال سلیمان ۱۶:‏۱). «دل پادشاه، مثل نهرهای آب، در دست خداوند است؛ آن را به هر سو که بخواهد برمی‌گرداند» (امثال سلیمان ۲۱:‏۱).

نخستین معنای ارادۀ خدا این است: خدا در حاکمیتش، همۀ امور را در کنترل دارد. ما این را «ارادۀ مطلق»، یا به عبارتی، «ارادۀ مقدّرِ» او می‌نامیم. این اراده‌ای است که نمی‌توان آن را تغییر داد؛ و همواره عملی خواهد شد. «با جُنود آسمان و سکنۀ جهان، بر وفق ارادۀ خود عمل می‌نماید؛ و کسی نیست که دست او را بازدارد، یا او را بگوید که چه می‌کنی» (دانیال ۴:‏۳۵).

**۲. ارادۀ حکم کنندۀ خدا**

حال، به بررسی معنای دیگرِ «ارادۀ خدا» در کتاب‌مقدس می‌پردازیم، که می‌توانیم آن را «ارادۀ حکم کننده» بنامیم. ارادۀ خدا آن چیزی است که به ما حکم می‌کند؛ و از این اراده می‌توان نااطاعتی کرده و در انجامش کوتاهی نمود؛ اما ارادۀ مقدّرِ خدا را چه باور داشته باشیم و چه نداشته باشیم، انجامش می‌دهیم؛ حال آنکه می‌شود در به‌جای آوردن ارادۀ حکم کنندۀ خدا قصور نمود. برای نمونه، عیسی فرمود: «نه هر که مرا خداوند خداوند گوید، داخل ملکوت آسمان گردد، بلکه آن که ارادۀ پدر مرا که در آسمان است، به‌جا آورد» (متی ۷:‏۲۱). همه ارادۀ پدر او را به‌جا نمی‌آورند. پس از این‌رو فرمود: «همه داخل ملکوت آسمان نمی‌گردند» چرا؟ زیرا همه ارادۀ خدا را به‌جا نمی‌آورند.

پولس در رسالۀ اول تسالونیکیان ۴:‏۳ چنین می‌گوید: «این است ارادۀ خدا؛ یعنی قدوسیتِ شما، تا از زنا بپرهیزید.» این یک نمونۀ صریح و مشخص از چیزی است که خدا به ما حکم می‌نماید: قدوسیت، تقدیس شدن، پاکیِ جنسی. این ارادۀ حکم کنندۀ اوست؛ اما آه که بسیاری از آن اطاعت نمی‌کنند.

سپس پولس در رسالۀ اول تسالونیکیان ۵:‏۱۸ می‌نویسد: «در هر امری شاکر باشید؛ که این است ارادۀ خدا در حق شما در مسیح عیسی.» در اینجا باز هم با جنبه‌ای مشخص از ارادۀ حکم دهندۀ خدا رو‌به‌روییم: در هر امری شاکر باشید. اما بسیاری این ارادۀ خدا را به‌جا نمی‌آورند.

یک نمونۀ دیگر: «و دنیا و شهوات آن در گذر است، لکن کسی که به ارادۀ خدا عمل می‌کند، تا به ابد باقی می‌ماند» (اول یوحنا ۲:‏۱۷). همه تا به ابد باقی نمی‌مانند؛ برخی باقی می‌مانند و برخی نمی‌مانند. چرا چنین است؟ زیرا برخی ارادۀ خدا را به‌جا می‌آورند و برخی به‌جا نمی‌آورند. پس از این نظر، ارادۀ خدا همواره به انجام نمی‌رسد.

بنابراین، از این آیه‌ها و بسیاری دیگر از آیات کتاب‌مقدس، چنین نتیجه می‌گیرم که به دو طریق می‌توان دربارۀ ارادۀ خدا سخن گفت. هر دو شکل، صحیح بوده، و مهم است که آنها را درک نموده و باور داشته باشیم. یکی را می‌توانیم ارادۀ مقدّرِ خدا (یا ارادۀ مطلق او) بنامیم؛ و دیگری را ارادۀ حکم کنندۀ خدا. چه باور داشته باشیم، چه نداشته باشیم، ارادۀ مقدّرِ خدا، همواره عملی خواهد شد؛ اما از ارادۀ حکم کنندۀ او می‌توان قصور نمود، چیزی که هر روزه اتفاق می‌افتد.

**ارزش این حقایق**

قبل از اینکه این حقایق را به رومیان ۱۲:‏۲ ربط دهم، بگذارید بگویم که این دو حقیقت تا چه اندازه ارزشمندند. وقتی عمیقاً لطمه دیده، و یا فقدانی عظیم را تجربه کرده باشیم، هر دوی این حقایق، کاملاً با نیاز ما همخوانی داشته و کارسازند. از یک نظر، ما احتیاج داریم خاطرجمع باشیم که خدا در کنترل بوده، و قادر است که همۀ دردها و از دست دادنها را با هم، برای خیریت من و خیرت همۀ آنانی که او را دوست دارند، به کار گیرد؛ از سوی دیگر، ما احتیاج داریم بدانیم که خدا با ما همدردی نموده، و از اصلِ گناه، یا درد و رنج خشنود نیست. هر دو نیاز ما، با ارادۀ مقدّر و ارادۀ حکم کنندۀ خدا کاملاً همخوانی دارد.

برای نمونه، اگر در دوران بچگی، با شما به شدت بدرفتاری شده باشد؛ و حال، کسی از شما بپرسد که «آیا فکر می‌کنید که این ارادۀ خدا بوده است؟» شما می‌توانید به شیوه‌ای که کتاب‌مقدس تعلیم می‌دهد، پاسخی دهید که با کتاب‌مقدس مطابقت داشته باشد. می‌توانید بگویید، «خیر. ارادۀ خدا این نبوده، زیرا او حکم می‌کند که انسانها بدرفتار نباشند، بلکه یکدیگر را محبت نمایند. خشونت و بدرفتاری، حکم خدا را زیر پا می‌گذارد؛ و او را غضبناک و محزون می‌سازد (مرقس ۳:‏۵). اما از سوی دیگر، بله؛ این ارادۀ خدا بود (ارادۀ مطلق او)، چرا که صدها راه وجود می‌داشت که بتواند مانع از این عمل گردد، اما به دلایلی که هنوز کاملاً درک نمی‌کنم، مانع از آن نشد».

در این موقعیت، و در راستای این دو اراده، شما به دو چیز نیاز دارید: یکی، خدایی که آن‌قدر قدرتمند و مقتدر باشد که این موقعیت را به خیریت شما برگرداند؛ و دیگری، خدایی که قادر باشد با شما همدردی نماید. از یک سو، مسیح، پادشاه اعظم، و حاکم مطلق است؛ و چیزی خارج از ارادۀ او روی نمی‌دهد (متی ۲۸:‏۱۸). از سوی دیگر، مسیح، کاهن اعظمی پر از رحمت است، که با ضعف و درد ما همدردی می‌نماید (عبرانیان ۴:‏۱۵). روح‌القدس هر زمان که اراده کند، بر ما و گناهمان غلبه کرده (یوحنا ۱:‏۱۳؛ رومیان ۹:‏۱۵-‏۱۶)؛ و هر زمان که اراده کند، خاموش و محزون و غضبناک می‌گردد (افسسیان ۴:‏۳۰؛ اول تسالونیکیان ۵:‏۱۹). ارادۀ مطلق او، مغلوب نشدنی است؛ ولی غم‌انگیز است که ارادۀ حکم کننده‌اش می‌تواند شکسته شود.

ما به هر دوی این حقایق نیازمندیم، به درک هر دو ارادۀ خدا نیازمندیم؛ نه فقط برای اینکه کتاب‌مقدس برایمان قابل فهم باشد، بلکه تا به هنگام رنج و سختی، محکم به خدا بچسبیم.

**رومیان ۱۲:‏۲، به کدام اراده اشاره می‌نماید؟**

حال، منظور رومیان ۱۲:‏۲ کدام اراده است؟ «همشکل این جهان مشوید؛ بلکه به تازگیِ ذهن خود، صورت خود را تبدیل دهید، تا شما دریافت کنید که ارادۀ نیکوی پسندیدۀ کامل خدا چیست.» بدون شک، پولس به ارادۀ حکم کنندۀ خدا اشاره می‌کند. برای این گفته‌ام دست‌کم دو دلیل دارم. یکی اینکه، مقصود خدا این نیست که ما جلوتر از زمان، از ارادۀ مطلق او باخبر گردیم. «چیزهای مخفی از آنِ یهوه خدای ماست؛ و اما چیزهای مکشوف تا به ابد از آنِ ما» (تثنیه ۲۹:‏۲۹). اگر می‌خواهید از جزییات ارادۀ مقدّرِ خدا در آینده باخبر شوید، پس خواهان ذهنی تازه نیستید، بلکه گوی بلورینی برای پیشگویی می‌خواهید. نام این، تبدیل و اطاعت نیست، بلکه پیشگویی و غیبگویی است.

عبارت «تا شما دریافت کنید»، دلیل دیگری است که معتقدم ارادۀ خدا در رومیان ۱۲:‏۲، ارادۀ حکم کننده است، نه ارادۀ مقدّر. این عبارت حاکی از آن است که ما باید با ارادۀ خدا موافق بوده، و مطیعانه آن را به‌جای آوریم. ولی در واقع نباید گناه را تأیید کرده، و یا به آن تن دهیم، حتی اگر آن گناه، جزیی از ارادۀ مطلق خدا باشد. پولس در رومیان ۱۲:‏۲، تقریباً همان حقیقتی را بیان می‌کند که رسالۀ عبرانیان ۵:‏۱۴ بدان اشاره می‌نماید: «غذای قوی از آنِ بالغان است که حواس خود را به موجب عادت، ریاضت داده‌اند، تا تمیز نیک و بد را بکنند» (به همین حقیقت در رسالۀ فیلیپیان ۱:‏۹-‏۱۱ توجه نمایید.) مقصود آیۀ نامبرده این است که ارادۀ نهان خدا را؛ یعنی، آن اراده‌ای که خدا آن را تحقق خواهد بخشید، کاوش نکنید، بلکه ارادۀ مکشوف خدا را تشخیص دهید؛ همان اراده‌ای که می‌بایست آن را به‌جای آوریم.

**سه مرحلۀ شناخت و انجام ارادۀ مکشوف خدا**

شناخت و انجام ارادۀ مکشوف خدا، که همانا ارادۀ حکم کنندۀ اوست، شامل سه مرحله می‌باشد؛ و هر سه مرحله، نیازمند ذهنی تازه است، که روح‌القدس به آن قدرت تشخیص می‌بخشد. ما قبلاً در این خصوص صحبت کرده‌ایم.

**مرحلۀ اول**

نخست اینکه، ارادۀ حکم کنندۀ خدا، با اقتداری قطعی و مسلم، فقط در کتاب‌مقدس مکشوف گشته است؛ و ما برای درک و پذیرش احکام خدا در کتاب‌مقدس، به ذهنی تازه نیازمندیم. بدون ذهنی تازه، ما کتاب‌مقدس را تحریف کرده، و از احکامی اساسی چون خودانکاری، محبت، پاکی، و رضامندی محضْ فقط در مسیح، اجتناب می‌کنیم. ارادۀ مقتدرانۀ خدا، که حکم می‌نماید، فقط در کتاب‌مقدس یافت می‌شود. پولس می‌گوید که کتاب‌مقدس، کلام الهام شده است؛ و مسیحیان را «کامل، و به جهت هر عمل نیکو آراسته» می‌کند (دوم تیموتائوس ۳:‏۱۶). نه فقط شماری کار نیک؛ بلکه «هر عمل نیکو». آه که مسیحیان برای تأمل در کلام مکتوب خدا، چقدر باید وقت و انرژی گذاشته، و وقف دعا شوند!

**مرحلۀ دوم**

مرحلۀ دوم از ارادۀ حکم کنندۀ خدا این است که در موقعیتهای تازه‌ای که برایمان پیش می‌آید، حقیقت کتاب‌مقدس را به کار بریم. حال ممکن است کتاب‌مقدس به روشنی، به این موقعیتها اشاره کرده باشد؛ و ممکن است نامی از آنها نبرده باشد. مثلاً کتاب‌مقدس به شما نمی‌گوید که با چه کسی ازدواج کنید، یا چه ماشینی سوار شوید، صاحب خانه باشید یا نه، به کجا سفر کنید، کدام گوشی همراه را انتخاب کرده، چه نوع آب پرتقالی را بنوشید؛ و یا هزاران مورد دیگر.

نیاز ما ذهنی تازه است، که ارادۀ مکشوف خدا در کتاب‌مقدس، آن را شکل داده و رهبری‌اش می‌نماید. بدین‌گونه است که ما همه‌چیز را با ذهن مسیح می‌بینیم و می‌سنجیم؛ و می‌توانیم آنچه خدا از ما می‌طلبد را تشخیص دهیم. این امر، با اینکه پیوسته سعی کنیم صدای خدا را بشنویم که به ما بگوید چه بکنیم و چه نکنیم، بسیار تفاوت دارد. افرادی که سعی می‌کنند خود را به آن جهت سوق دهند که منتظر شنیدن صدایی باشند، زندگی‌شان با رومیان ۱۲:‏۲ مطابقت نخواهد داشت.

میان دعا کردن و زحمت کشیدن برای ذهنی تازه، که تشخیص دهد چگونه کلام خدا را به کار گیرد، از یک سو، و اینکه عادت کنید که پیوسته از خدا بخواهید تا برای انجام هر کاری، مکاشفه‌ای تازه به شما عطا کند، از سوی دیگر، یک دنیا تفاوت وجود دارد. پیشگویی احتیاج به تبدیل و دگرگونی ندارد. هدف خدا این است که ذهن ما تازه گردد، طرز فکری تازه و سنجشی تازه، نه فقط به دست آوردن اطلاعاتی تازه. هدف او این است که حقیقت کلام مکشوفش، ما را تبدیل و تقدیس کرده، و آزاد نماید (یوحنا ۸:‏۳۲؛ ۱۷:۱۷). پس دومین مرحله از ارادۀ حکم کنندۀ خدا این است که با برخورداری از ذهنی تازه، تشخیص دهیم که کتاب‌مقدس در موقعیتهای تازۀ زندگی، چه کاربردی دارد.

**مرحلۀ سوم**

و سرانجام، سومین مرحله از ارادۀ حکم کنندۀ خدا این است که در پشت بسیاری از عملکردهای ما، خودآگاهی و عمدی وجود ندارد؛ و شمار وسیعی از زندگیها بدین‌گونه است. به جرأت می‌گویم که دست‌کم نود و پنج درصد از اعمال و رفتار شما، از پیش تعیین شده نیست. بیشتر افکار، نگرش، و اعمال شما خودجوش هستند و از درونتان لبریز می‌گردند. عیسی فرمود: «زبان از زیادتیِ دل سخن می‌گوید. مرد نیکو از خزانۀ نیکوی دل خود، چیزهای خوب برمی‌آورد؛ و مرد بد از خزانۀ بد، چیزهای بد بیرون می‌آورد. لیکن به شما می‌گویم که هر سخن باطل که مردم گویند، حساب آن را در روز داوری خواهند داد» (متی ۱۲:‏۳۴-‏۳۶).

چرا این مهم را جزیی از ارادۀ حکم کنندۀ خدا می‌نامم؟ به یک دلیل. زیرا احکامی چون: خشم مگیر، مغرور مباش، طمع مورز، نگران مباش، حسود مباش، غبطه مخور؛ و چیزهایی از این قبیل که خدا حکم می‌نماید، هیچ‌یک اعمالی از پیش تعیین شده نیستند. خشم، غرور، طمع، نگرانی، حسادت، و غبطه خوردن، همگی، ناخودآگاه و ناخواسته از دل برمی‌خیزند؛ و همین اعمالند که ما را گناهکار می‌سازند. چنین رفتار و کرداری، حکم خدا را زیر پا می‌گذارد.

بنابراین، آیا واضح نیست که زندگی مسیحی فقط یک تکلیف اصلی دارد؟ به تازگیِ ذهن خود، صورت خود را تبدیل دهید. ما به دل و فکر تازه نیاز داریم. درخت را نیکو کنید تا میوۀ نیکو به بار آورد (متی ۱۲:‏۳۳). بزرگ‌ترین کلنجار همین است. خدا شما را به همین فرا می‌خواند. شما به قوت خودتان نمی‌توانید این‌گونه زندگی کنید. شما به مسیح نیازمندید، که برای گناهان شما جان داد؛ و به روح‌القدس نیازمندید، تا شما را به حقیقتی رهنمون سازد که مسیح را برافراشته، و آن فروتنی را در شما به عمل آورد که حقیقت را پذیرا باشید.

خود را به این حقیقت بسپارید. خود را در کلام مکتوب خدا فرو برید و ذهن خود را با آن سیراب سازید؛ و دعا کنید که روح مسیح، شما را چنان تازه سازد، که آنچه از شما لبریز گردد، نیکو، پسندیده و کامل باشد؛ این است ارادۀ خدا.